

ارباب حلقه‌ها

خودم را همانطور که هستم دوست دارم

مروری بر کتاب «گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد، خیلی بزرگ»



نویسنده و تصویرگر :

ژوزف تئوبالد

مترجم : نورا حق پرست
برای گروه سنی الف
ناشر : کانون پرورش فکری

تعداد: ۲۰۰۰۰ نسخه

برفی یک گوسفند غمگین بود.

چون از گوسفندهای دیگر کوچک‌تر بود.

او نمی‌توانست مثل آنها تند بدود یا خیلی بالا بدرد.

پس تصمیم گرفت که زیاد بخورد

اما هرچه بیشتر می‌خورد باز هم بیشتر و زیادت‌ر می‌خواست خیلی زیاد. تا اینکه یک روز...»

این روز برای برفی روز تصمیم‌گیری است. او باید فکر کند و ببیند چه چیزهایی می‌خواهد. برفی برای بزرگ شدن همه چیز را می‌خورد و دیگر حد و حدودی برای خودش قائل نیست.

ژوزف تئوبالد موفق شده در کتاب خود برای خلق داستان از شخصیتی بهره بگیرد که کودکان خردسال با او صمیمیت بیشتری داشته باشند و با کارگیری گوسفندی به نام برفی این امکان را ایجاد می‌کند تا کودکان به راحتی حرکات و رفتار آن را درک کنند.

انتخاب شخصیت داستان با توجه به محتوای آن از اهمیت بالایی برای این گروه سنی برخوردار است که داستان از شخصیتی بهره بگیرد که کودکان خردسال با او خواسته‌های کودکان در سینم رشد آنها توجه کرده تا آنها بیشتر بتوانند از این داستان لذت ببرند.

باید توجه داشت که مخاطبان گروه سنی «الف» در کنار دریافت محتوای داستان و مفاهیم اجتماعی و آموختن آنها در دوره فراگیری زبانی هستند و توجه به این موارد با بهره‌گیری از تصاویر به درک بهتر آنها کمک خواهد کرد.

کودکان خردسال بسیاری از مفاهیم همچون مقدار زیاد و کم را در دوره‌های مبانی درک می‌کنند و به کمک داستان می‌توان چنین مفاهیمی را بهتر به آنها شناساند. در کتاب «گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد، خیلی بزرگ» موضوع داستان و شخصیت‌ها این امکان را به کودک می‌دهد تا به راحتی تصویرسازی کند و این فضا برای او مهیاست که با کنش‌های شخصیت داستان روبه‌رو شود. داستان از ارضاییابی برفی آغاز می‌شود، گوسفند کوچکی که از اندازه خود احساس ناراحتی می‌کند:

برفی آهی کشید و گفت: «من نمی‌توانم تند بدوم. نمی‌توانم خیلی بالا بپرم. من کوچک هستم، خیلی کوچک.»

پشمی گفت: «من تو را همین‌طور که هستی، دوست دارم.»

اما برفی که دلش می‌خواست فقط کمی گنده‌تر شود، تصمیم می‌گیرد که بیشتر از گوسفندهای دیگر علف بخورد و این نقطه‌ای است برای تصمیم‌گیری علفی که به نقص خودش غلبه کند و راهی پیدا کند. خیلی اگر پشمی به او گفته باشد که او را همانطور که هست دوست دارد. این همان مسئله اخلاقی داستان است که در مقابل برخورد با کودکان، در مقابل ارضاییابی آنها و در مقابل ناتوانی هایشان ممکن است بروز کند. اما نکته داستان در این است که برفی راه را به اشتباه می‌رود و برای بزرگ شدن، هر چه چیز را که می‌بیند می‌خورد و دیگر محدودیتی برای خود قائل نیست و نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد، هر چند پشمی مدام به او گوشزد می‌کند که او کارهای اشتباهی را مرتکب می‌شود اما برفی آنقدر مشغول است که دیگر صدای دوستش را نمی‌شنود و به این ترتیب همه جنگل‌ها، کوه‌ها و در نهایت دنیا را با همه کسوه‌هایش می‌خورد. اما دیگر چیزی نمی‌خورد و تنها می‌شود: «حالا تنهای تنها شده بود. دلش برای درخت‌ها، چمنزارها و گوسفندهای دیگر تنگ شده بود. دلش می‌خواست دوباره پشمی را ببیند.

برفی ناراحت بود. خیلی ناراحت.

اما با صدای باد بی‌علیه کرد. ناگهان... عطسه‌ای کرد و دهانش باز شد و همین باز و...»

همه چیزهایی که خورده بود از دهانش بیرون ریخت. «به نظر می‌رسد برفی باید به تجربیات جدیدی دست پیدا کرده باشد. تنهایی برای او تجربه‌ای بوده که حد و محدودش را بشناسد و به شناخت خودش دست پیدا کند. دوست پشمی گفت: «من تو را فقط همین‌جوری که هستی دوست دارم.»

این جمله‌ای است که پشمی در ابتدای داستان می‌گوید اما این بار پاسخ برفی متفاوت از دفعه قبل است که نشان از همان درک شخصیی او است.

برفی گفت: «من هم خودم را همین‌طور که هستم دوست دارم.»

و این پایان داستان است جایی که برفی می‌فهمد هر چه که هست توانمندی‌هایی دارد و به باوری از خودش می‌رسد. ژوزف تئوبالد به عنوان نویسنده و تصویرگر کتاب توانسته داستانی خلق کند تا هنگامی که کودکان به تصاویر کتاب می‌نگزند، خود را در فضایی جدید قرار دهند. در چنین کتاب‌هایی با بهره‌گیری از متن و تصویرگری مناسب نه‌تنها به کودکان احترام گذاشته شده است بلکه از این طریق امکانی مهیا می‌شود تا شادمانی را در کتاب کشف کنند و نگرشی دلپسند در آن بیابند تا به نوعی به درک و دریافت پایدار ارزش کتاب برسند.

از موفقیت‌های دیگر کتاب علاوه بر مفاهیم و تصاویر می‌توان به ترجمه موفق نورا حق‌پرست اشاره کرد که زبانی یک‌دمت‌را پدیدآورده است.

ادبیات

از کودکی فقط حسی نوستالژیک مانده

گفت‌وگو با پرناز نیری، داور جایزه هانس کریستین آندرسن

نلی محبوب



که از آن راضی هستم این است که جوازین در کل به‌برجسته‌ترین کاندیدها تعلق گرفت و در میان بعضی از برندگان و فیانیست‌ها، نویسندگان و تصویرگران آوانگارد و بسیار نوآور و خلاق راه یافتند.

طبق روال هر دوره نتایج داوری این مسابقه در کنفرانس خبری IBBY در نمایشگاه‌بین‌المللی کتاب کودک بولونیای ایتالیا اعلام شد. اعطای جواز همیشه در کنگره‌های بین‌المللی دفتر IBBY انجام می‌شود. سپتامبر امسال در سی‌امین کنگره این دفتر که در مسکو چین برگزار می‌شود این جواز اعطا خواهند شد.

■ **این داوران چگونه انتخاب می‌شوند و از ایران تاکنون چند بار در داوری اندرسن شرکت کرده‌اند؟**

این داوران از طرف شعب ملی IBBY انتخاب و به همراه شرح احوال‌کاری آنها به دفتر مرکزی معرفی و پیشنهاد می‌شوند. کمیته اجرایی دفتر بین‌المللی IBBY در مورد ترکیب هیات داوران ابتدا طبق ضوابط خودشان تصمیم‌گیری خواهند کرد. از ایران خانم توران میرهادی چهار دوره در سال‌های ۱۹۷۶، ۱۹۷۸، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸، خانم نرژیا قزل‌ایاغ در سال ۱۹۹۲، خانم منصوره راعی دو دوره در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ و خانم زهره قائینی دو دوره در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ و من در این دوره یعنی در سال ۲۰۰۶ عضو ایرانی هیات‌داوران بوده‌ام.

■ **ویژگی داوران برگزیده چیست؟**

داوران افرادی بودند با سوابق کاری متعدد و متنوع و از کشورهای مختلف. در انتخاب این افراد سعی شده بود که حوزه جغرافیایی بیشتری را پوشش دهند. بعضی از داوران در حوزه متن و بعضی دیگر در حوزه تصویر تسلط بیشتری داشتند. خود من بیشتر در حوزه تالیف تسلط داشتم ولی با کار این کارها با وجود تمام کمک‌ها نهایتاً بر دوش خود داور است. در دور اول داوری که چهارماه پس از دریافت آثار صورت گرفت باید از هر لیست ۱۰ نفر را انتخاب می‌کردیم و به ترتیب اولویت به آنها از ۱۰ تا یک نمره می‌دادیم. تصمیم‌گیری بسیار مشکلی بود. مسئله انتخاب بهترین‌ها از میان بهترین‌ها بود. در طول چندین‌ماه داوری، رئیس هیات داوران از طریق ای‌میل با داوران در ارتباط بود و آنها را راهنمایی می‌کرد. در طول داوری این دوره ملاک‌های داوری رد و بدل نشد ولیکن رئیس هیات‌داوران چند سؤال کلیدی را مطرح کرد و به بحث گذاشت. مثلاً اینکه آیا داور نماینده یا وکیل کشور خودش در جلسات است. جلسات داوری نهایتاً در ۲۴ و ۲۵ مارس ۲۰۰۶ در شهر فیژوله نزدیک فلورانس در ایتالیا تشکیل شد. روز اول به داوری متن اختصاص داشت و روز دوم به داوری تصویر. در بخش اول جلسه داوری برای تمام کسانی که در رای‌گیری اولیه نامشان حذف شده بود تبادل‌نظر شد. در این بخش، چنانچه داوری نامزدی را باز هم آنقدر شایسته می‌دانست که به لیست نهایی اضافه شود، نظر می‌داد که آثار آن فرد به بازنگری بیشتری نیاز دارد و با اعلام این مطلب اگر به توافق اکثریت می‌رسید دوباره آن فرد به جمع لیست نهایی می‌پیوست. البته چنین چیزی در موردیکی دو نفر بیشتر اتفاق افتاد که نهایتاً هم فیانیلست مسابقه شدند. واقعیت این بود که میزان اختلاف نظر و سلیقه میان داوران نسبتاً کم بود و اختلاف‌نظر بیشتر در حوزه تالیف بود که در دور آخر رای‌گیری شدیدتر شد. در کل داوران با احترام زیاد به‌نظر یکدیگر و اعتماد کامل با هم برخورد می‌کردند و یک فقط نظر خودشان را می‌گفتند. اصولاً از داوران کسی روی حرف خود پافشاری نمی‌کرد و یا سوگیری خاصی از خود نشان نمی‌داد. من خودم شدیداً معتقد کم در داوری نه نام فرد مهم است نه اینکه آن فرد از چه کشوری کاندیدا شده‌است، اصلاً صلاح نمی‌دانم که مسائلی چون چرا برندگان بیشتر از کشورهای انگلیسی‌زبان هستند یا اینکه فیانیلست‌ها بیشتر از کشورهای اروپایی هستند وارد داوری مسابقه‌ای جهانی شود. کار هر فرد و صلاحیت و شایستگی هر فرد اهمیت‌دارد نه اینکه از کدام کشور و کدام حوزه جغرافیایی آمده است.

■ **خود شما چه نکاتی را در داوری بیشتر مدنظر قرار دادید؟**

آنچه که من در این داوری انجام دادم سنجش کیفیت آثار به لحاظ ساختاری، روند کاری، میزان تاثیرگذاری هر فرد و بعد مقایسه آثار آن فرد با سایر کاندیدایی آن مسابقه بود. مسائل دیگری که در داوری این آثار برابم مهم بود جهان‌بینی آن فرد در وهله اول، بعدنگاهی به کودک و کودکی، و دیگر داشتن آثار باکیفیتی که خود روایت داستان به‌صورت متن یا تصویر بتواند که نظر خواننده را جلب کند و از ارتباطی را که باید با مخاطبانش که کودکان و نوجوانان سرزمینش و احتمالاً کودکان‌دکان سرزمین‌های دیگر است برقرار کند و به تعبیری توانایی گذر از مرزها و جهانی شدن را داشته باشد. در پایان این تجربه آنچه

آنچه که من در این داوری انجام دادم سنجش کیفیت آثار به لحاظ ساختاری، روند کاری، میزان تاثیرگذاری هر فرد و بعد مقایسه آثار آن فرد با سایر کاندیدایی آن مسابقه بود. مسائل دیگری که در داوری این آثار برابم مهم بود جهان‌بینی آن فرد در وهله اول، بعدنگاهی به کودک و کودکی، و دیگر داشتن آثار باکیفیتی که خود روایت داستان به‌صورت متن یا تصویر بتواند که نظر خواننده را جلب کند و از ارتباطی را که باید با مخاطبانش که کودکان و نوجوانان سرزمینش و احتمالاً کودکان‌دکان سرزمین‌های دیگر است برقرار کند و به تعبیری توانایی گذر از مرزها و جهانی شدن را داشته باشد. در پایان این تجربه آنچه

می‌گویند که ما برای مخاطب خاصی نمی‌نویسیم. در واقع برای آن کودک درون یا وجود خودشان می‌نویسد.

■ **به‌نظر شما وضعیت ادبیات داستانی کودک و نوجوان در ایران چگونه است و چه اتفاقی باید رخ دهد تا این وضعیت متحول شود؟**

فکر می‌کنم هنوز راه دراز و دشواری را در کل در پیش داریم. باید خیلی تجربه کرد و کار کرد و کار. بیشتر باید خواند، بیشتر باید تحقیق کرد، بیشتر باید نوشت و تصویرگری کرد. البته بیشتر هم باید زمینه چاپ آثار فراهم شود ولی نباید انتظار بیپوده داشت که هر آنچه که کار شد چاپ هم شود. البته حق و حقوق هم

باید به‌درستی رعایت شود. فکر می‌کنم که ناشران پرکار ما باید بسیار آگاهانه عمل کنند که مبدا اتخاذ سیاست‌های غلط مقطعی باعث شود که در بلندمدت وضعیت ادبیات کودک و نوجوان ایران به‌جایی کشیده شود که در یک مقطع زمانی تعداد زیادی آثار چاپ شود ولی بعد از مدتی نویسنده و تصویرگر حرفه‌ای پیدا نشود که در این حوزه طولانی مدت دوام آورده و کار کرده باشد و در واقع بر اثر فشارهای روانی و مالی زیاد چنان دلسرد بشود که به کارهای دیگر روی آورد. به نظر من یکی از مهمترین نکته‌هایی که مانع از بهبود کار نویسندگان و تصویرگران کشور ما شده نداشتن ویراستار ادبی و هنری است که پیش از چاپ آثار در کنار ناشران کار کنند و در مواردی که درستی آثار را زیر و رو کنند یعنی اهمیت ندادن به نقشی است

که ویراستار حرفه‌ای می‌تواند در هدایت نویسنده و تصویرگر ایفا کند. تمام این اتفاقات باز منوط خواهد بود به اینکه در مدارس ما کتابخانه‌های مجهز و کتابدارهای حرفه‌ای آشنا به ادبیات کودک و نوجوان و رنگ کتابخوانی آزاد و بعد با برنامه مدون که اجبار فابل باشد گذاشته شود و این برنامه‌ریزی‌ها را متخصصان و کارشناسان این کار انجام دهند که سال‌ها در این راه تلاش کرده‌اند. بورس‌های تشویقی و حمایتی و مالی دولتی به نویسندگان و تصویرگران داده شود و خیلی از کارهای خوب دیگری چون دادن جوایز تشویقی و مالی متعدد که در همه‌جای دنیا رسم است و

پرداخت هزینه سفرهای سنجش مطالعاتی و همین‌طور پرداخت هزینه‌های سفر برای بازدید از نمایشگاه‌های تصویرگری و شرکت در سمینارها و کنگره‌های مرتبط با این حوزه را بسیار موثر می‌دانم، خلاصه باید انگیزه داده شود. خود من در طول مدت داوری به‌صورت مداوم کار کردم و حتی با هزینه شرکت در مسابقات و جشنواره‌های شخصی خودم به ایتالیا رفتم تا در جلسات داوری شرکت کنم. ■ **در ارتباط قرار گرفتن نویسندگان اصلی با شاهکارهای ادبی جهان چقدر**

در پیشبرد ادبی آثار نقش دارد؟

خواندن آثار و شاهکارهای ادبی جهان هم در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان و هم بزرگسالان و کلاً خواندن هر مطلبی و متنوع خواندن در ابتدای راه که به افزایش تجربه‌ها و وسعت دید و جهان‌بینی و نگرش فرد کمک می‌کند را از مؤثرترین راه‌ها برای بالا بردن کیفیت آثار می‌دانم.

■ **به‌نظر شما اصولاً داستان کودک و نوجوان هر یک باید به چه چیزهایی بیشتر اهمیت بدهند و چه ویژگی‌ای داشته باشند؟**

من در این قسمت باز هم می‌توانم به معیارهای داوری برگردم ولی ترجیح می‌دهم حس شخصیی خودم را در کل نسبت به داستان‌ها بگویم. شاید نحوه خواندن و درک کودکان و نوجوانان متفاوت باشد ولی کتابی را خوب می‌دانم که بتواند توجه من را هم جلب کند. چنان کششی در من ایجاد کند که نتوانم آن را زمین بگذارم. قصه قوی‌ای داشته باشد. دائم به دنبال جواب گفتن به سئوالات زندگی و هستی انسان‌ها برنیاید ولی طرح سؤال کند. در آن شگردگی‌ها نو و خلاق بجا به کار گرفته شده باشد و طرح ماهرانه آن شگفت‌زده‌ام کند و مرا به فکر فرو ببرد و درپچه جدیدی در ذهنم باز کند. نوع نگاهی به من بدهد که از زنده بودن و مزه‌مزه کردن و یادآوری لحظات داستان احساس لذت کنم. هر بار که به داستان فکر می‌کنم با خودم بگویم که چقدر خوب شد هنوز زنده‌ام و زندگی این فرصت را در اختیارم گذاشته که چنین کتابی را بتوانم بخوانم یا چنین تصویری را ببینم. در دوران داوری بعضی اوقات فکر می‌کردم که چقدر بد کم که اینقدر وقت کم داریم و باید مثل ماشین کتاب بخوانیم و یادداشت برداریم. احساس

ادبیات

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵

خبرها

«روستاخیز فرا می‌رسد» منتشر شد

شرق : جلد سوم پارسیان و من با نام «روستاخیز فرا می‌رسد» توسط نشر موج منتشر شد. در این کتاب برپدیای ۱۵ ساله از زمان امروزین با سیمرغ سفری می‌کنندبه ۲۵۳۹ سال قبل . . . به عهدی که داریوش نوجوان هم‌سن و هم‌بازی او کوروش بزرگ

پدر او و کمبوجیه برادر بزرگتر اوست. سفر از شوش تا بابل

و فتح آن شهر و سپس تا هگمتانه و ری باستان و سرانجام پاسارگاد کهنسال تداوم می‌یابد. آنگاه سیمرغ همچو دو پارسیان و من (کاخ اژدها و راه زکوه پرنده ۲) و به میان می‌آید و ناگاه «روستاخیز فرا می‌رسد». آرمان آرین نویسنده این سه‌گانه در گفت‌وگو با شرق در خصوص منابعی که برای نگارش کتاب از آنها بهره گرفته است، گفت: «از چهار منبع

عبری، عربی، فارسی و یونانی بهره گرفتیم. در تمام این منابع کوروش شخصیت محبویی است و در تمام زمان‌ها، اقوام و مکان‌ها تناقض ذاتی به چشم نمی‌خورد. اما تا به امروز کوروش سه‌صدی در تاریخ سینما، ادبیات و هنر نداشته‌ایم. در حقیقت تمام کوروش‌هایی که معرفی شده‌اند کتبی‌ای و تک‌بعدی هستند. در این اثر کوروش از تمامی داشته‌ها بافته شده و ما با او حرکت می‌کنیم. آرین همچنین به منابع یونانی به عنوان یکی از منابع مهم برای شناخت کوروش اشاره کرد. نویسنده کتاب پارسیان و من در خصوص مخاطبان این مجموعه افزود صرفاً مخاطبان نوجوان در این اثر مدنظر من نبودند و بسیاری از بزرگسالان هم کتاب را خواندندولی به علت آنکه راوی نوجوان بود این اشتباه به‌وجود آمد که این اثر صرفاً برای نوجوانان نوشته شده است. این کتاب موفق شد تا در نمایشگاه‌نوزدهم به عنوان پر فروش‌ترین رمان شناخته شود و فروشش بیش از ۴۷۰۶ نسخه را به خود اختصاص دهد. آرین همچنین در ادامه گفت‌وگو به رمان جدیدی اشاره کرد که شخصیتی اسطوره‌ای با نام «اشوزادگه» شخصیت اصلی داستان است. این داستان به گونه سوم‌شخص روایت شده که ماجرای اسطوره‌ای سپیده‌ای دارد. وی افزود اما این پیچیدگی‌ها به معنای سخت‌خوان بودن اثر نیست. این اثر تا پایان امسال توسط نشر موج به بازار کتاب عرضه می‌شود.

■ **کودکان ایرانی به «خورشهر» نامه می‌نویسند**
مهر : مسابقهٔ ادبی «نامه‌ای به خورشهر» با سه گرایش قصه، شعر و متن ادبی ویژه کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. خاطراتی از هشت سال دفاع مقدس مردم ایران در برنامه‌ای با عنوان «کنکوه مقاومت» برای کودکان شهر ساری بازگو شد. همچنین در این برنامه از کودکان و نوجوانان خواسته شد. در مسابقه‌ای ادبی با عنوان نامه‌ای به خورشهر شرکت کنند. این مسابقهٔ آثار تمامی کودکان و نوجوانان ایرانی را در سه رشته قصه، شعر و متن ادبی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به تعدادی از برگزیدگان این رقابت ادبی جوایزی را اهدا می‌کند، در فراخوان مسابقه آمده‌است آیا تا به حال به دوستان خوشتر نامه نوشته‌اید؟ بر این اساس کودکان و نوجوانان شش تا شانزده‌ساله ایرانی تا پایان تیرماه امسال فرصت دارند آثار خود را به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تهران، واقع در خیابان حجاب، مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری ارسال کنند.

■ **ترجمه دوائر از فیلیپ پولمن**
مهر : دو کتاب از زمان سه‌گانه «نیروی اهریمنی اش» نوشته فیلیپ پولمن با ترجمه‌فرازفرید، اثری در گونهٔ ادبیات فانتزی و خیالی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. دو جلد از زمان سه‌گانه و پر فروش فیلیپ پولمن نویسنده انگلیسی‌زبان با عنوان «سیده‌شمال» («خنجر طریف» به ترجمهٔ فرزادفرید منتشر شده و جلد سوم آن دو کتاب به زودی روانهٔ بازار نشر می‌شود. «نیروی اهریمنی اش» ماجرای خیالی و سیال میان عالم واقع و دنیاهای مجازی و تخیلی را روایت می‌کند که به لحاظ سبک و گونه داستانی در زمرهٔ آثاری چون هری پاتر و ارباب حلقه‌ها به شمار می‌رود. شیوهٔ روایی و متن مضمون‌گرا و ارتباطی نتگاتنگ و پنهان با فرهنگ‌های دانه و بهشت گمشده جان‌میلتن دارد. رمان سه‌گانه «نیروی اهریمنی اش» قرار است در پنج مجلد ارائه شود، هم اینکه با ترجمهٔ فرزاد فرد تا پایان جلد دوم (خنجر طریف) از سوی نشر کتاب پنجره منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

■ **آموزه اصلی شاهنامه خردگرایی است**
شرق : اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی باعث شکل گرفتن و قوام یافتن شخصیت کودکان و نوجوانان می‌شود و چیه‌ها را با هویت و ریشه‌های خود آشنا می‌سازد. دبیر جشنواره کاری هفته باارستم که طی روزهای ۲۴ لغایت ۲۸ اردیبهشت با موضوع شاهنامه در ساری برگزار شد با بیان این مطلب تأیید کرد: کودکان و نوجوانانی که هویت خود را نمی‌شناسند، با فرهنگ، تاریخ و ادبیات کهن خود آشنا نیستند و به طریی که نگاه می‌کنند جز نشانه‌هایی از شاهنامهٔ پر از اولین بار فردوسی در داستان‌های کیکاموش مطرح می‌کنند یا به عنوان یک الگو می‌پذیرند و این نتیجه‌ای جز ایجاد احساس حقارت و ضعف در میان آنها ندارد. این کارشناس ارشد ادبیات ادامه می‌دهد: در برخی از داستان‌های شاهنامه به اتفاقاتی اشاره شده است که بعدها جنبه علمی پیدا کرد به عنوان مثال اندیشهٔ پرواز را اولین بار فردوسی در داستان کیکاووس مطرح می‌کند یا با بعد تحلیل‌های اجتماعی می‌توان نمونه‌های مشابهی برای بسیاری از افراد جامعه یا رفتارها در شرایط مختلف تاریخی و اجتماعی پیدا کرد و آن آموزه‌ها را در زندگی امروز به کار بست. وی نقش فردوسی در پاسداشت زبان را نقش کلیدی و محوری می‌داند و تأکید می‌کند: شاهنامه نجات‌دهنده زبان فارسی بود.

■ **آموزه اصلی شاهنامه خردگرایی است**
شرق : اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی باعث شکل گرفتن و قوام یافتن شخصیت کودکان و نوجوانان می‌شود و چیه‌ها را با هویت و ریشه‌های خود آشنا می‌سازد. دبیر جشنواره کاری هفته باارستم که طی روزهای ۲۴ لغایت ۲۸ اردیبهشت با موضوع شاهنامه در ساری برگزار شد با بیان این مطلب تأیید کرد: کودکان و نوجوانانی که هویت خود را نمی‌شناسند، با فرهنگ، تاریخ و ادبیات کهن خود آشنا نیستند و به طریی که نگاه می‌کنند جز نشانه‌هایی از شاهنامهٔ پر از اولین بار فردوسی در داستان‌های کیکاموش مطرح می‌کنند یا به عنوان یک الگو می‌پذیرند و این نتیجه‌ای جز ایجاد احساس حقارت و ضعف در میان آنها ندارد. این کارشناس ارشد ادبیات ادامه می‌دهد: در برخی از داستان‌های شاهنامه به اتفاقاتی اشاره شده است که بعدها جنبه علمی پیدا کرد به عنوان مثال اندیشهٔ پرواز را اولین بار فردوسی در داستان کیکاووس مطرح می‌کند یا با بعد تحلیل‌های اجتماعی می‌توان نمونه‌های مشابهی برای بسیاری از افراد جامعه یا رفتارها در شرایط مختلف تاریخی و اجتماعی پیدا کرد و آن آموزه‌ها را در زندگی امروز به کار بست. وی نقش فردوسی در پاسداشت زبان را نقش کلیدی و محوری می‌داند و تأکید می‌کند: شاهنامه نجات‌دهنده زبان فارسی بود.